

بررسی ویژگی‌های میکروبی، بیوشیمیایی و حسی ماست سویای پروبیوتیک

رضا محمدی^۱، ابوالفضل روزی طلب^۲، زهرا شاه عباس پور^۳، سید امیرمحمد مرتضویان^۴

- ۱- کمیته تحقیقات دانشجویان، انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
- ۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی- علوم و صنایع غذایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین، ایران
- ۳- گروه علوم و صنایع غذایی، دانشگاه غیرانتفاعی رودکی تنکابن، ایران
- ۴- نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم و صنایع غذایی، انستیتو تحقیقات تغذیه و صنایع غذایی، دانشکده علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران، پست الکترونیکی: mortazvn@sbmu.ac.ir

چکیده

سابقه و هدف: در سال‌های اخیر، مصرف غذاهای فراسودمند به دلیل افزایش آگاهی مردم و ارزش تغذیه‌ای این محصولات، افزایش یافته است. تولید ماست سویای پروبیوتیک پتانسیل فراسودمند بودن آن را دو چندان خواهد کرد. هدف از این پژوهش، بررسی ویژگی‌های میکروبی، بیوشیمیایی و حسی ماست سویای پروبیوتیک می‌باشد.

مواد و روش‌ها: نسبت‌های مختلف شیرگاو به شیرسویا (۱:۰:۰، ۰:۷۵:۲۵، ۵۰:۵۰، ۲۵:۷۵، ۰:۱۰۰) با استفاده از بازسازی پودر شیر بدون چربی تهیه شدند و دو نوع باکتری آغازگر ABY1 و ABY2 (که حاوی لاکتوباسیلوس/اسیدوفیلوس LA-5 و بیفیدوباکتریوم لاکتیس Bb-12 همراه با باکتری‌های معمولی ماست) به آن‌ها تلقیح شد. شاخص‌های pH، اسیدیته قابل تیترا، پتانسیل احیا، مقادیر اسید لاکتیک و اسید استیک، قابلیت زیستی باکتری‌های پروبیوتیک و ارزیابی حسی نمونه‌ها بررسی شد.

یافته‌ها: نسبت مساوی شیرگاو به شیرسویا، کشت شده با باکتری آغازگر ABY-1 بیش‌ترین قابلیت زیستی را داشتند ($p < 0.05$). بالاترین ویژگی‌های حسی، مربوط به تیمارهایی با بالاترین نسبت شیرگاو و تلقیح شده با باکتری ABY-1 بود. پس از آن، تیمار حاوی نسبت مساوی شیرگاو به شیرسویا (۵۰:۵۰-ABY-1) سومین رتبه در پذیرش کلی داشت ($p < 0.05$).

نتیجه‌گیری: نسبت مساوی شیرگاو به شیرسویا بالاترین سرعت تغییرات بیوشیمیایی را نشان داد و با افزایش میزان شیرسویا، قابلیت زیستی پروبیوتیک‌ها به دلیل حضور ترکیبات پری‌بیوتیکی سویا و کاهش فعالیت پروتئولیتیکی باکترهای آغازگر ماست، افزایش یافت.

واژگان کلیدی: بیفیدوباکتریوم لاکتیس، پروبیوتیک، لاکتوباسیلوس/اسیدوفیلوس

مقدمه

تحریک سیستم ایمنی، کاهش‌دهندگی کلسترول سرم، افزایش ارزش تغذیه‌ای غذا، درمان انواع اسهال، عفونت‌های دستگاه گوارش و دستگاه ادراری تناسلی به این ریززنده‌ها نسبت داده می‌شود (۳). در میان فرآورده‌های غذایی پروبیوتیک، فرآورده‌های لبنی پروبیوتیک به‌ویژه فرآورده‌های تخمیری لبنی از پذیرش و مصرف بیشتری برخوردار هستند. امروزه فرآورده‌های تخمیری پروبیوتیک حدود ۲۵٪ از کل فرآورده‌های تخمیری را شامل می‌شوند. ماست پذیرفته شده‌ترین و پرکاربردترین فرآورده پروبیوتیک در جهان است. در تمامی فرآورده‌های پروبیوتیک، «ارزش زیستی-BV»، یعنی تعداد سلول‌های زنده و فعال پروبیوتیک در گرم یا

امروزه، مقبولیت و مصرف فرآورده‌های پروبیوتیک در کشورهای جهان به‌ویژه اروپا، ایالات متحده و ژاپن رواج چشمگیر یافته است. پروبیوتیک‌ها ریززنده‌های (باکتری و مخمر) زنده‌ای می‌باشند که با استقرار در بخش‌های مختلف بدن (اساساً روده)، با عمل زیستی خود، عمدتاً از طریق حفظ و بهبود توازن میکروبی روده، سبب ایجاد خواص سلامت بخش برای میزبان می‌شوند. گونه لاکتوباسیلوس/اسیدوفیلوس مهم‌ترین و پرمصرف‌ترین گونه لاکتوباسیلوس و به همراه بیفیدوباکتریوم‌ها، مهم‌ترین ریززنده پروبیوتیک به شمار می‌آید (۱، ۲). ویژگی‌های سلامت بخشی مانند خواص ضد سرطان‌زایی، ضد جهش‌زایی، ضد عفونتی،

مناسب ریزنده‌های پروبیوتیک در فراورده نهایی (ضمن دستیابی به خواص حسی بهینه) طراحی و انجام شد.

مواد و روش‌ها

کشت‌های منجمد شده تجاری DVS شامل باکتری‌های آغازگر لاکتوباسیلوس/اسیدوفیلوس LA-5، بیفیدوباکتریوم لاکتیس Bb-12، لاکتوباسیلوس بولگاریکوس و استرپتوکوکوس ترموفیلوس می‌باشد که با نام‌های تجاری ABY-1 و ABY-2 شناخته شده است و توسط شرکت کریستین هسنن از کشور دانمارک فراهم شد. روش تهیه نمونه‌ها به شرح زیر می‌باشد:

در این پژوهش ۱۰ تیمار بررسی شد، که هر تیمار در سه تکرار انجام گرفت. اثر پنج نسبت شیرگاو به شیر سویا (۱۰۰:۰، ۷۵:۲۵، ۵۰:۵۰، ۲۵:۷۵، ۰:۱۰۰) و دو نوع کشت آغازگر مخلوط ABY-1 و ABY-2 (لاکتوباسیلوس/اسیدوفیلوس LA-5، بیفیدوباکتریوم لاکتیس Bb-12 و باکتری‌های ماست؛ استرپتوکوکوس ترموفیلوس و لاکتوباسیلوس بولگاریکوس) مورد بررسی قرار گرفت، بدین ترتیب که ابتدا نسبت‌های گوناگون شیر سویا و شیر خشک بدون چربی با باز سازی پودر شیر بدون چربی تهیه شد. سپس تیمارها تحت فرآیند گرمایی (۸۵°C به مدت زمان ۳۰ min) قرار گرفتند. پس از سرد کردن نمونه‌ها تا دمای تلقیح (۴۱°C)، آغازگرها (باکتری‌های پروبیوتیک و باکتری‌های ماست) مطابق با دستورالعمل شرکت سازنده تلقیح شدند. در ادامه نمونه‌ها در دمای ۴۰°C مورد گرم‌خانه‌گذاری قرار گرفتند و در $pH 4/5 \pm 0/2$ از گرم‌خانه خارج شده و سرد شدند (در دو مرحله: ابتدا به سرعت تا ۱۵°C و سپس تا ۵°C). در حین تخمیر، نمونه‌ها هر ۳۰ دقیقه یک بار تا رسیدن به pH نهایی از نظر اسیدیته، pH و پتانسیل احیا مورد ارزیابی قرار گرفتند. در پایان تخمیر برای تعیین قابلیت زیستی پروبیوتیک‌ها، از نمونه‌ها کشت میکروبی تهیه شد.

آزمون میکروبی

شمارش اختصاصی پروبیوتیک‌ها: شمارش زنده پروبیوتیک‌ها (لاکتوباسیلوس/اسیدوفیلوس LA-5 و بیفیدوباکتریوم لاکتیس Bb-12) با استفاده از محیط کشت MRS-bile آگار (MRS آگار و bile به ترتیب ساخت شرکت Merck از کشور آلمان و شرکت Sigma-Aldrich از کشور آمریکا) مطابق با روش مرتضویان و همکاران (۲۰۰۶) انجام شد. پلیت‌ها در شرایط هوازی و بی هوازی در دمای (۳۷°C)

میلی لیتر فراورده، ارزش اساسی آن‌ها محسوب می‌شود. شاخص BV باید به اندازه کافی بالا باشد تا پس از مصرف تعداد کافی سلول زنده به محیط روده راه یابد. به منظور دستیابی به اثرات سلامت بخش پروبیوتیک‌ها، کمینه ارزش دارویی 10^6 ml cfu در فراورده نهایی پیشنهاد شده است (۲). در میان فراورده‌های پروبیوتیک تخمیری، ماست به دلیل اسیدیته بالا و pH پایین، محیط مناسبی برای انتقال پروبیوتیک‌ها به بدن نیست (۵). این موضوع به ویژه در خصوص بیفیدوباکتریوم‌ها از اهمیت ویژه برخوردار است (۲). بنابراین، یکی از مسائل این تحقیق دستیابی به قابلیت زیستی قابل قبول پروبیوتیک‌ها در محصول نهایی می‌باشد. لوبیای سویا به دلیل خواص سلامت بخش تغذیه‌ای (ارزش پروتئینی و املاح) و دارویی (نظیر کاهش سطح کلسترول سرم، کاهش میزان تری گلیسیریدها، خواص ضدسرطانی، بهبود متابولیسم چربی‌ها، پیش‌گیری از عوارض پوکی استخوان و اختلالات یائسگی) و هم‌چنین ویژگی‌های عملکردی مناسبی که پروتئین‌های آن به ساختار غذا می‌دهند (همانند ژلاتینه شدن، امولسیون سازی، ایجاد کف و آب‌گیری) سبب می‌شود تولید ماست بر پایه شیر سویا با استفاده از میکروارگانیسم‌های پروبیوتیک، به خاطر افزایش پتانسیل فراویژه بودن آن، از جذابیت تکنولوژیک و صنعتی بالایی برخوردار باشد (۴). مزایای دیگری مانند کاهش قندهای نفخ‌زای سویا و افزایش مقدار ایزوفلاون‌های آزاد در سویا پس از تخمیر (۵)، هم‌چنین ویژگی‌هایی نظیر مناسب بودن سوبسترای برای رشد و تکثیر پروبیوتیک‌ها در محصول و قابلیت پروبیوتیک-حفاظ بودن مناسب از نظر ساختاری در برابر عوامل خطرزای محیط یعنی شرایط اسیدی، pH پایین فراورده و معده و هم‌چنین صفرای روده نیز به ماست پروبیوتیک تهیه شده از شیر سویا نسبت داده شده است (۶). بنابراین تولید فراورده‌های تخمیری از جمله ماست بر پایه شیر سویا با استفاده از میکروارگانیسم‌های پروبیوتیک، ضمن رفع نقایص مربوط به طعم لوبیایی ناشی از ترکیبات هگزانال و پنتانال و نفخ ناشی از الیگوساکاریدهای غیر قابل هضم، پتانسیل فراویژه بودن آن را به طور چشم‌گیر افزایش می‌دهد و می‌تواند به عنوان یک ماده غذایی سلامت بخش در رژیم غذایی روزانه مردم به کار رود (۷).

با توجه به اهمیت دو فاکتور نسبت شیرگاو به شیر سویا و نوع باکتری‌های پروبیوتیک در تولید ماست سویای تخمیری، این مطالعه با هدف بررسی تأثیر این دو فاکتور بر زنده ماندن

- T7: ۷۵٪ شیر لبنی و ۲۵٪ شیر سویا تلقیح شده با آغازگر
ABY-2
T8: ۵۰٪ شیر گاو و ۵۰٪ شیر سویا تلقیح شده با آغازگر
ABY-2
T9: ۷۵٪ شیر لبنی و ۲۵٪ شیر سویا تلقیح شده با آغازگر
ABY-2
T10: ۱۰۰٪ شیر سویا تلقیح شده با آغازگر ABY-2

یافته‌ها

تغییرات بیوشیمیایی: همان‌گونه که در شکل‌های ۱ الف تا ۱ د مشاهده می‌شود، در همه تیمارها سه مرحله مشخص نمایان است؛ فازهای کمون یا پیش-لگاریتمی، لگاریتمی و ثابت رشد. این نواحی با توجه به تغییر زیاد شیب نمودارها در شکل‌های ذکر شده مشخص می‌شود. بر اساس شکل ۱ الف تیمار T1 دارای طولانی‌ترین دوره ثابت رشد (۱۵۰ دقیقه) بین تمامی تیمارهای مورد بررسی بوده و نشان دهنده این نکته است که محیط به‌سرعت برای باکتری‌های آغازگر نامساعد شده است. در ۹۰ دقیقه اول سرعت افت pH، افزایش اسیدیته اندک است که از یک سو می‌تواند به علت قرارگیری باکتری‌های آغازگر در فاز کمون و موجود نبودن پروتئین‌های ساده، آنزیم‌های پروتئیناز و پپتیداز به‌میزان کافی در محیط شیر لبنی و از سوی دیگر بالا بودن ظرفیت بافری باشد. مطابق شکل ۱ پ در تیمار T3 نقطه اوج کاهش pH، افزایش اسیدیته و پتانسیل احیا در دقایق ۹۰-۶۰ از آغاز گرم‌خانه‌گذاری می‌باشد و نسبت به تیمار T1 کاهش یافته است که نشان می‌دهد در اثر کاهش میزان شیر لبنی و کازئین ظرفیت بافری محیط نیز کاهش یافته که موجب افزایش سرعت افت pH می‌شود. کمترین زمان گرم‌خانه‌گذاری در تیمار T3 (۲۲۰ دقیقه) مشاهده شد ($p < 0.05$). کوتاه‌ترین فاز ثابت رشد نیز مربوط به این تیمار می‌باشد (۴۰ دقیقه). طبق شکل ۱ ج در تیمار T6 نقطه اوج کاهش pH، افزایش اسیدیته و پتانسیل احیا در دقایق ۲۷۰-۲۴۰ از آغاز گرم‌خانه‌گذاری می‌باشد و طولانی‌ترین زمان گرم‌خانه‌گذاری (۳۹۰ دقیقه) در این تیمار قابل مشاهده می‌باشد ($p < 0.05$). در ۱۲۰ دقیقه اول سرعت افت pH، افزایش اسیدیته اندک است، هم‌چنین فاز کمون طولانی‌تر و به مدت ۱۲۰ دقیقه می‌باشد که به علت ضعف باکتری‌های ماست در آغازگر ABY-2 (نسبت به آغازگر ABY-1) در مصرف مواد مغذی محیط و نیاز بیشتر به ترکیبات کمکی رشد که در شیر در دسترس نیستند و

به مدت زمان دست کم ۷۲ ساعت گرم‌خانه‌گذاری شدند. شرایط بی‌هوازی با استفاده از جار بی‌هوازی و گازپک تیپ A ایجاد شد.

آزمون‌های شیمیایی: pH و پتانسیل احیا: در دمای اتاق با استفاده از pH متر HANNA مجهز به الکتروود MA235 ساخت کشور ایتالیا اندازه‌گیری شد. سرعت متوسط افت pH و افزایش پتانسیل احیا طی تخمیر بر طبق روش مرتضویان و همکاران در سال ۲۰۱۰ اندازه‌گیری شد (۹).

اسیدیته قابل تیتراژ: ۱۰ میلی لیتر نمونه با ۱۰ میلی لیتر آب مقطر مخلوط و با سود ۰/۱ نرمال در حضور معرف فنل فتالئین تیتراژ شد. مقدار این شاخص برحسب درجه دورنیک تعیین شد (۹).

مقادیر اسید استیک و اسید لاکتیک: درصد اسید استیک و اسید لاکتیک نمونه‌ها توسط دستگاه HPLC مدل Cecil, CE4200 ساخت کشور آمریکا اندازه‌گیری شد (۹).

ارزیابی حسی: ویژگی‌های حسی شامل طعم، بافت و ظاهر (رنگ و دو فاز شدن) مورد ارزیابی قرار گرفتند. این آزمون توسط ۱۰ نفر ارزیاب آموزش دیده کارخانه مکسوی جهت تعیین تیمار بهینه انجام گرفت. امتیازدهی به شیوه مقیاس ۵ نقطه‌ای شامل: غیر قابل مصرف = ۰، غیر قابل قبول = ۱، قابل قبول = ۲، مطلوب = ۳ و عالی = ۴ انجام شد. ضرایب ۶ برای طعم، ۳ برای بافت و ۲ برای ظاهر هر یک از تیمارها در نظر گرفته شد (۱۰).

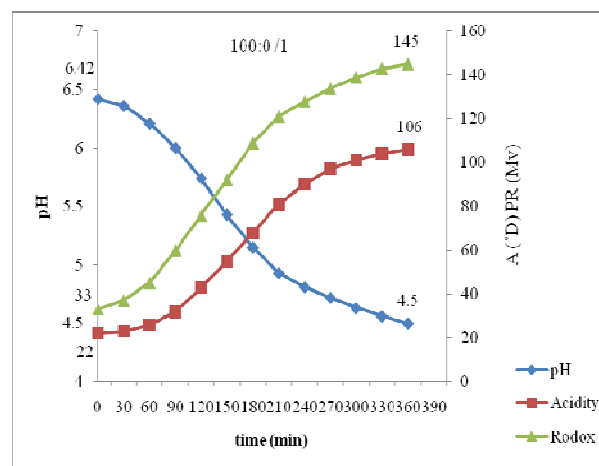
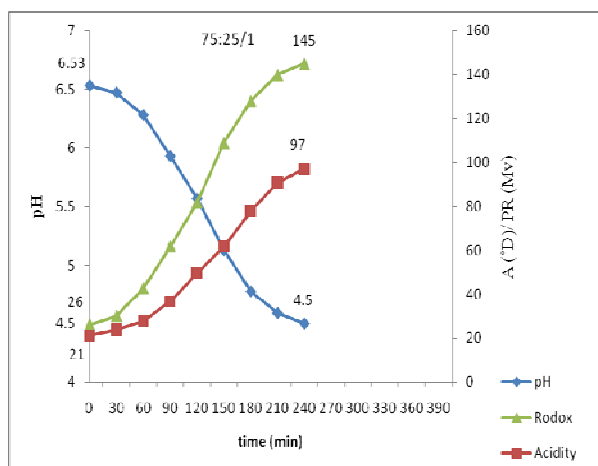
ارزیابی آماری: برای بررسی آماری نتایج از آزمون فاکتوریل در غالب طرح کاملاً تصادفی استفاده شد و کلیه آزمون‌ها در سه تکرار انجام شدند. تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از نرم افزار Minitab 14 و آزمون دانکن انجام شد. نمودارها به کمک نرم افزار Excel رسم شد. ($p < 0.05$) به معنی وجود اختلاف معنی‌دار بین تیمارها در نظر گرفته شد.

اختصارات اسامی تیمارها بدین شرح می‌باشد:

- T1: ۱۰۰٪ شیر لبنی تلقیح شده با آغازگر ABY-1
T2: ۷۵٪ شیر لبنی و ۲۵٪ شیر سویا تلقیح شده با آغازگر
ABY-1
T3: ۵۰٪ شیر لبنی و ۵۰٪ شیر سویا تلقیح شده با آغازگر
ABY-1
T4: ۲۵٪ شیر لبنی و ۷۵٪ شیر سویا تلقیح شده با آغازگر
ABY-1
T5: ۱۰۰٪ شیر سویا تلقیح شده با آغازگر ABY-1
T6: ۱۰۰٪ شیر لبنی تلقیح شده با آغازگر ABY-2

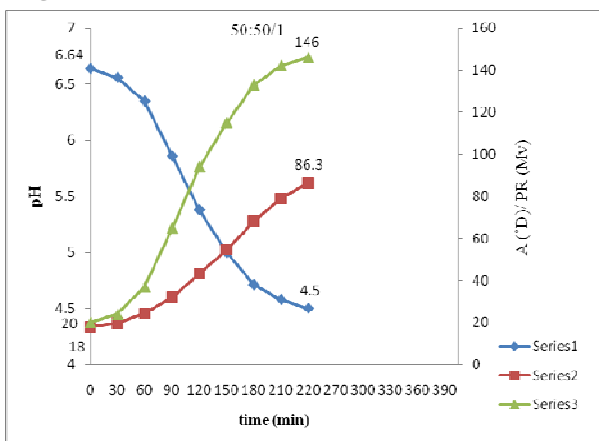
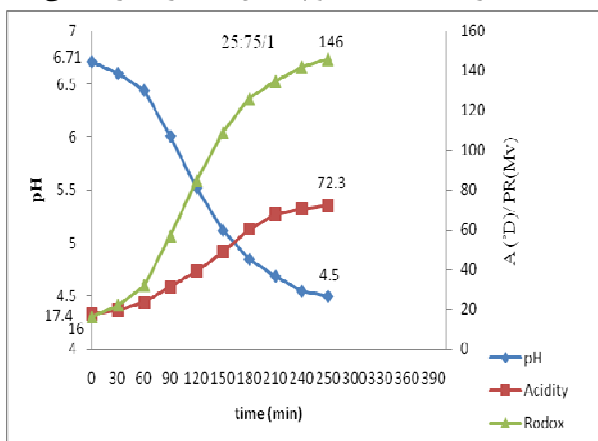
بررسی است و اشاره به آن دارد که در اثر فعالیت ضعیف‌تر باکتری‌های ماست در آغازگر ABY-2 سرعت تولید اسید و متابولیت‌ها نسبت به آغازگر ABY-1 کمتر است در نتیجه فاز رشد برای مدت بیشتری ادامه می‌یابد.

هم‌چنین بالا بودن ظرفیت بافری شیر لبنی می‌باشد. بر اساس شکل ۱. چ فاز لگاریتمی در تیمار T7 در دقیقه ۲۴۰-۹۰ از آغاز زمان گرم‌خانه‌گذاری به مدت ۱۵۰ دقیقه می‌باشد که طولانی‌ترین فاز لگاریتمی بین تمامی تیمارهای مورد



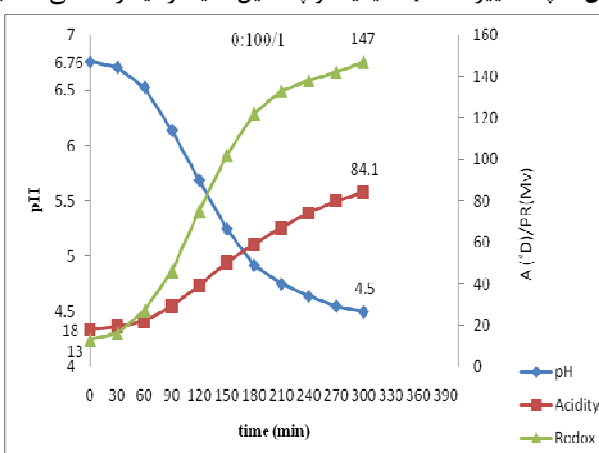
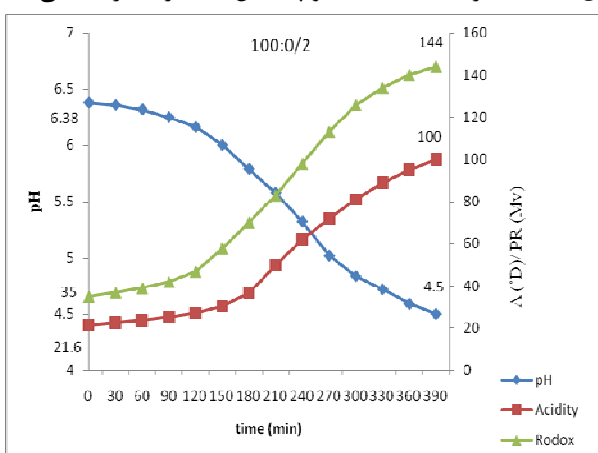
شکل ۱. الف - تغییرات pH، اسیدیته و پتانسیل احیا در تیمار T2 طی تخمیر

شکل ۱. ب - تغییرات pH، اسیدیته و پتانسیل احیا در تیمار T1 طی تخمیر



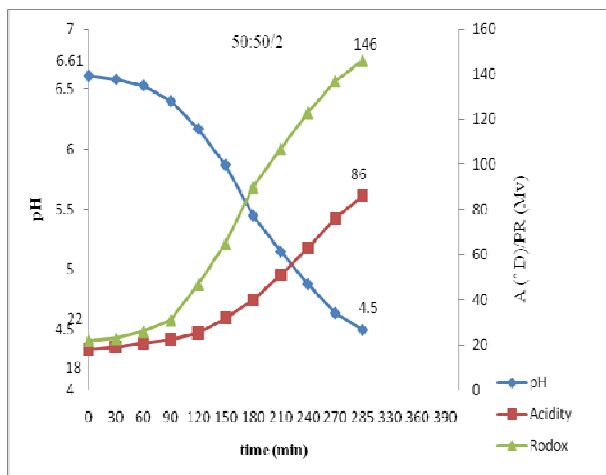
شکل ۱. ت - تغییرات pH، اسیدیته و پتانسیل احیا در تیمار T4 طی تخمیر

شکل ۱. پ - تغییرات pH، اسیدیته و پتانسیل احیا در تیمار T3 طی تخمیر

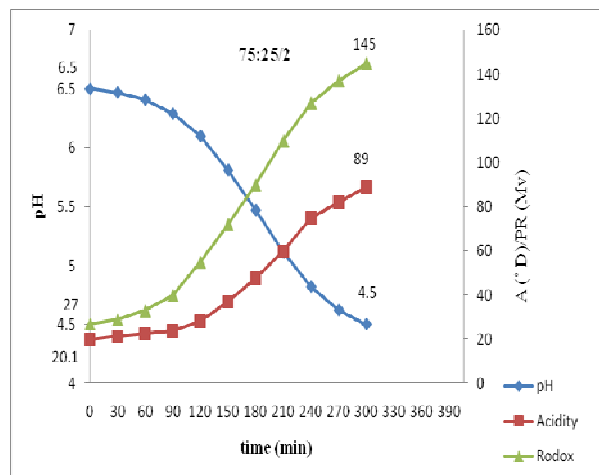


شکل ۱. ج - تغییرات pH، اسیدیته و پتانسیل احیا در تیمار T6 طی تخمیر

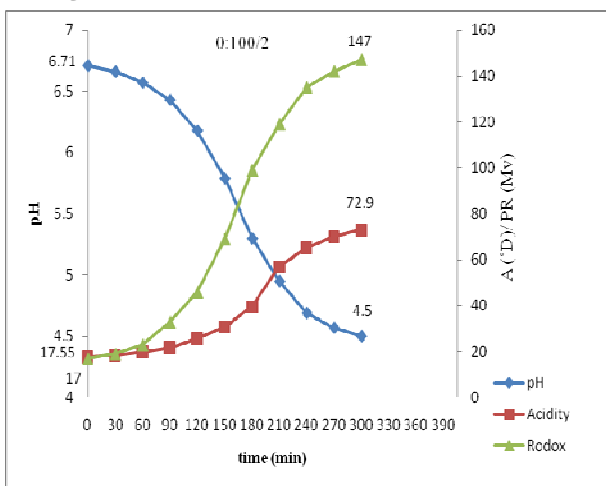
شکل ۱. ث - تغییرات pH، اسیدیته و پتانسیل احیا در تیمار T5 طی تخمیر



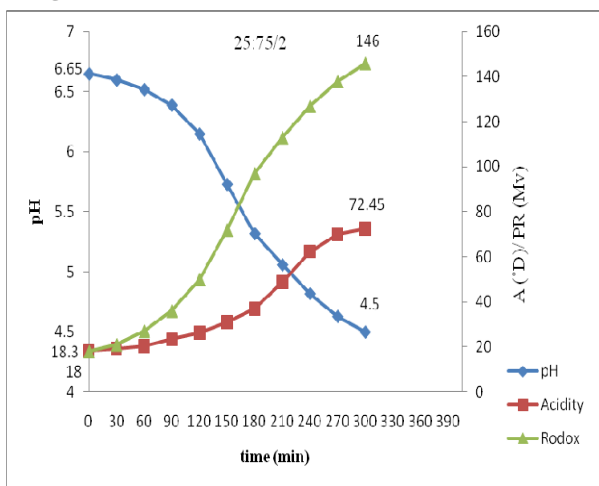
شکل ۱ج- تغییرات pH، اسیدیته و پتانسیل احیا در تیمار T8 طی تخمیر



شکل ۱د- تغییرات pH، اسیدیته و پتانسیل احیا در تیمار T7 طی تخمیر



شکل ۱ه- تغییرات pH، اسیدیته و پتانسیل احیا در تیمار T10 طی تخمیر



شکل ۱ف- تغییرات pH، اسیدیته و پتانسیل احیا در تیمار T9 طی تخمیر

جدول ۱ نشان دهنده میانگین سرعت متوسط افت pH، سرعت متوسط افزایش اسیدیته قابل تیتر و پتانسیل احیا، مدت زمان گرم‌خانه‌گذاری، اسیدیته قابل تیتر نهایی و مقادیر اسیدهای لاکتیک و استیک (درصد) تیمارها در پایان تخمیر می‌باشد. براساس جدول ۱ و با مقایسه تمامی ویژگی‌های نوع استارتر و نسبت‌های مختلف شیر لبنی و شیر سویا و اثر آن بر روی ویژگی‌های بیوشیمیایی، تیمار T3 بیش‌ترین سرعت افت pH را در بین تمامی تیمارها نشان داد ($p < 0.05$). بیش‌ترین سرعت افزایش اسیدیته و پتانسیل احیا نیز به ترتیب مربوط به تیمارهای T2 و T3 می‌باشد که اختلاف معنی‌داری با سایر تیمارها دارند ($p < 0.05$). کمترین سرعت افت pH و افزایش پتانسیل احیا مربوط به تیمار T6 می‌باشد

تیمار T1 دارای بیش‌ترین میزان اسیدیته نهایی ($p < 0.05$) و کمترین میزان اسیدیته نهایی در تیمار T4 مشاهده شد، هرچند که بین تیمارهای T4، T9، T10 اختلاف معنی‌دار وجود نداشت ($p > 0.05$). این نتایج نشان می‌دهد با افزایش نسبت سویا در سوستر از میزان اسیدیته نهایی کاسته می‌شود و میزان شیر سویای اضافه شده تأثیر بیشتری نسبت به نوع استارتر مورد استفاده در ویژگی‌های بیوشیمیایی طی تخمیر داشته است. Farnwort و همکاران نیز در سال ۲۰۰۷ با پژوهش و بررسی رشد بیفیدوباکتریوم‌ها و پروبیوتیک همراه با آغازگر ماست در ماست سویا به این نتیجه رسیدند که به دلیل پایین‌تر بودن ظرفیت بافری شیر سویا نسبت به شیر گاو، pH سریعتر افت می‌کند (۱۱).

جدول ۱ نشان دهنده میانگین سرعت متوسط افت pH، سرعت متوسط افزایش اسیدیته قابل تیتر و پتانسیل احیا، مدت زمان گرم‌خانه‌گذاری، اسیدیته قابل تیتر نهایی و مقادیر اسیدهای لاکتیک و استیک (درصد) تیمارها در پایان تخمیر می‌باشد. براساس جدول ۱ و با مقایسه تمامی ویژگی‌های نوع استارتر و نسبت‌های مختلف شیر لبنی و شیر سویا و اثر آن بر روی ویژگی‌های بیوشیمیایی، تیمار T3 بیش‌ترین سرعت افت pH را در بین تمامی تیمارها نشان داد ($p < 0.05$). بیش‌ترین سرعت افزایش اسیدیته و پتانسیل احیا نیز به ترتیب مربوط به تیمارهای T2 و T3 می‌باشد که اختلاف معنی‌داری با سایر تیمارها دارند ($p < 0.05$). کمترین سرعت افت pH و افزایش پتانسیل احیا مربوط به تیمار T6 می‌باشد

جدول ۱. سرعت متوسط افت pH، افزایش اسیدیته و افزایش پتانسیل احیا، زمان گرم‌خانه‌گذاری، اسیدیته نهایی و درصدهای اسید لاکتیک و اسید استیک در تیمارهای مختلف در پایان تخمیر*

شاخص‌ها		تیمارها						
درصد	درصد	زمان اوج تخمیر (دقیقه)	اسیدیته نهایی (درجه دورنیک)	زمان گرم‌خانه‌گذاری (دقیقه)	سرعت افزایش پتانسیل احیا (میلی ولت/دقیقه)	سرعت افزایش اسید (درجه دورنیک/دقیقه)	سرعت افت pH (دقیقه)	نسبت شیر گاو به شیر سویا
^e ۰/۱۴	^a ۰/۹	۱۵۰-۱۲۰	^a ۱۰۶	^b ۳۶۰	^e ۰/۳۲	^c ۰/۲۳	^e ۰/۰۰۵	T1
^g ۰/۰۷	^b ۰/۸۱	۱۵۰-۱۲۰	^b ۹۷	^f ۲۴۰	^{ab} ۰/۴۹	^a ۰/۳۲	^b ۰/۰۰۸	T2
^c ۰/۲۲	^c ۰/۶۶	۹۰-۶۰	^c ۸۶/۳	^g ۲۲۰	^a ۰/۵۲	^b ۰/۲۷	^a ۰/۰۰۹	T3
^b ۰/۲۶	^d ۰/۵۶	۱۲۰-۹۰	^e ۷۲/۳	^e ۲۵۰	^a ۰/۵۱	^{cd} ۰/۲۱	^b ۰/۰۰۸	T4
^a ۰/۳۰	^e ۰/۵۲	۱۲۰-۹۰	^{cd} ۸۴/۱	^e ۳۰۰	^c ۰/۴۲	^d ۰/۱۹	^d ۰/۰۰۶	T5
^e ۰/۱۲	^{ab} ۰/۸۷	۲۷۰-۲۴۰	^{ab} ۱۰۰	^a ۳۹۰	^f ۰/۲۸	^{cd} ۰/۲۰	^f ۰/۰۰۴	T6
^{cd} ۰/۱۷	^c ۰/۷۱	۲۱۰-۱۸۰	^c ۸۹	^e ۳۰۰	^{cd} ۰/۴۱	^c ۰/۲۳	^d ۰/۰۰۶	T7
^e ۰/۱۵	^c ۰/۶۹	۱۸۰-۱۵۰	^c ۸۶	^d ۲۸۵	^c ۰/۴۲	^c ۰/۲۳	^c ۰/۰۰۷	T8
^{cd} ۰/۱۹	^e ۰/۵۱	۱۵۰-۱۲۰	^e ۷۲/۵	^e ۳۰۰	^c ۰/۴۴	^{cd} ۰/۲۰	^c ۰/۰۰۷	T9
^d ۰/۱۶	^d ۰/۵۵	۱۸۰-۱۵۰	^e ۷۲/۹	^e ۳۰۰	^{ab} ۰/۴۶	^d ۰/۱۸	^d ۰/۰۰۶	T10

* میانگین‌هایی که در هر ستون با حروف متفاوت نشان داده شده‌اند، بطور معنی‌دار با یکدیگر تفاوت دارند ($p < 0.05$).

زیستی هم مربوط به تیمارهای T6 است ($p < 0.05$)، که نشان می‌دهد به دلیل ضعیف‌تر بودن فعالیت پروتئولیتیکی باکتری‌های ماست آغازگرهای ABY-2 (بنا بر مستندات شرکت کریستین هنسن) برای رشد به‌مواد کمکی رشد بیشتری نیاز دارند اما با افزایش نسبت شیرسویا و تامین مواد غذایی کمکی، رشد و بقا پروبیوتیک‌ها افزایش می‌یابد. بیش‌ترین قابلیت زیستی برای بیفیدوباکتریوم‌ها مربوط به تیمار T9 و پس از آن T3 می‌باشد که اختلاف معنی‌داری با سایر تیمارها داشتند ($p < 0.05$)، علت آن است که بیفیدوباکتریوم لاکتیس Bb-12 برای بقا و رشد به‌هر دو نوع مواد کمکی رشد شیر سویا و شیر لبنی (ویتامین‌های گروه B) در یک نسبت بهینه نیازمند است. کمترین قابلیت زیستی برای بیفیدوباکتریوم لاکتیس Bb-12 مربوط به تیمار T6 بود، که حاکی از آن است که بیفیدوباکتریوم‌ها در آغازگرهای ABY-2 رشد کمتری دارند و نیاز به‌مواد مغذی رشد آن‌ها افزایش می‌یابد، زیرا از یک سو بدلیل رشد کمتر باکتری‌های ماست در آغازگرهای ABY 2 نسبت به ABY-1، از خاصیت پروتئولیتیک باکتری‌های ماست کاسته شده و محیط دچار فقر مواد کمکی رشد و مواد نیتروژنی آزاد می‌شود (که خود باعث کاهش رشد بیفیدوباکتریوم‌ها می‌شود) از سوی دیگر همین دلایل سبب طولانی‌تر شدن فاز کمون و ثابت رشد می‌شود و متعاقب آن طولانی‌تر شدن فاز ثابت رشد خود می‌تواند منجر به مرگ بیشتر پروبیوتیک‌ها شود (۲). ارزیابی حسی تیمارها در پایان تخمیر در جدول ۳ نشان داده شده است.

بین تیمارهای مورد بررسی در میزان تولید اسید لاکتیک، تیمار T1 بالاترین میزان اسید لاکتیک را دارا است ($p < 0.05$)، که در اثر رشد زیاد باکتری لاکتوباسیلوس بولگاریکوس به علت مهیا بودن شرایط زیستی (وجود لاکتوز به‌میزان زیاد) برای آن‌ها می‌باشد (۱۲). کمترین میزان اسید لاکتیک هم مربوط به تیمارهای T5، T9 می‌باشد، که اختلاف معنی‌داری با سایر تیمارها دارند ($p < 0.05$). علت آن افزایش میزان شیر سویا و در نتیجه فقر محیط از لحاظ کربوهیدرات‌های قابل تخمیر برای لاکتوباسیلوس بولگاریکوس به‌عنوان عامل اصلی تولید اسید می‌باشد. بین تمامی تیمارها بیش‌ترین میزان اسید استیک مربوط به تیمار T5 می‌باشد ($p < 0.05$)، در مقابل کمترین میزان اسید استیک در تیمار T2 مشاهده می‌شود ($p < 0.05$). از آنجائی که اسید استیک از محصولات اصلی تخمیر توسط بیفیدوباکتریوم لاکتیس Bb-12 می‌باشد، نشان می‌دهد با افزایش نسبت شیر سویا، محیط برای رشد بیفیدوباکتریوم‌ها مساعدتر شده و در نتیجه میزان اسید استیک افزایش می‌یابد. در تیمار T2 همان‌طور که قبلاً شرح داده شد شرایط برای رشد بیفیدوباکتریوم‌ها مساعد نبوده و در نتیجه در رقابت با لاکتوباسیلوس بولگاریکوس این ریزنده‌ها قادر به رقابت نیستند و در نتیجه متابولیت‌های آن‌ها نیز کاهش چشم‌گیر می‌یابد (۱۲).

شاخص‌های میکروبیولوژیک: بر اساس جدول ۲ بالاترین قابلیت زیستی باکتری‌های لاکتوباسیلوس/اسیدوفیلوس LA-5 در تیمار T9 مشاهده شد ($p < 0.05$) و کمترین قابلیت

جدول ۲. قابلیت زیستی ریزنده‌های پروبیوتیک شاخص نسبت رشد در تیمارهای مختلف در پایان تخمیر*

GPI			جمعیت نهایی (log cfu/mL)		جمعیت اولیه (log cfu/mL)				تیمارها	
A+B	B	A	A+B	B	A	A+B	B	A**	pH	نسبت شیر گاو به شیر سویا
۱/۰۷	۱/۰۷	۱/۰۹	۸/۶۱ ^a	b ^A ۸/۳۱	b ^B ۸/۱۷	۸/۰۰	۷/۸۴	۷/۴۷	۴/۵	T1
۱/۰۲	۱/۰۴	۰/۹۷	۸/۱۹ ^d	cd ^A ۸/۱۴	de ^B ۷/۲۹	۸/۰۰	۷/۸۴	۷/۴۷	۴/۵	T2
۱/۰۴	۱/۰۶	۱/۰۱	۸/۳۷ ^c	ab ^A ۸/۳۶	c ^B ۷/۵۶	۸/۰۰	۷/۸۴	۷/۴۷	۴/۵	T3
۱/۰۳	۱/۰۲	۰/۹۸	۸/۲۶ ^{cd}	c ^A ۸/۲۰	d ^B ۷/۳۹	۸/۰۰	۷/۸۴	۷/۴۷	۴/۵	T4
۱/۰۳	۱/۰۴	۱/۰۱	۸/۲۴ ^d	cd ^A ۸/۱۴	c ^B ۷/۵۶	۸/۰۰	۷/۸۴	۷/۴۷	۴/۵	T5
۰/۹۵	۰/۹۶	۰/۹۳	۷/۶۵ ^e	f ^A ۷/۵۴	f ^B ۷/۰۰	۸/۰۰	۷/۸۴	۷/۴۷	۴/۵	T6
۱/۰۷	۱/۰۶	۱/۰۹	۸/۵۹ ^a	b ^A ۸/۳۱	ab ^B ۸/۲۱	۸/۰۰	۷/۸۴	۷/۴۷	۴/۵	T7
۱/۰۳	۱/۰۴	۱/۰۰	۸/۲۶ ^{cd}	c ^A ۸/۱۷	c ^A ۸/۱۷	۸/۰۰	۷/۸۴	۷/۴۷	۴/۵	T8
۱/۰۷	۱/۰۷	۱/۱۱	۸/۶۳ ^a	a ^A ۸/۳۹	a ^A ۸/۳۹	۸/۰۰	۷/۸۴	۷/۴۷	۴/۵	T9
۱/۰۶	۱/۰۲	۱/۱۱	۸/۵۰ ^a	e ^A ۸/۰۰	e ^A ۸/۰۰	۸/۰۰	۷/۸۴	۷/۴۷	۴/۵	T10

* میانگین‌هایی که با حروف کوچک و بزرگ انگلیسی نشان داده شده‌اند بطور معنادار ($p < 0.05$) با یکدیگر متفاوتند.

** (A: لاکتوباسیلوس اسیدوفیلوس LA-5)، (B: بیفیدوباکتریوم لاکتیس Bb-12)، (GPI: ضریب رشد)

جدول ۳. ارزیابی حسی تیمارها در پایان تخمیر*

شاخص‌ها				تیمارها	
امتیاز نهایی	طعم و مزه	بافت	ظاهر	نسبت شیر گاو به شیر سویا	تیمارها
a ^{۵۶/۸}	a ^{۲۸/۵}	a ^{۱۳/۲}	a ^{۸/۸}		T1
d ^{۳۲}	c ^{۱۴/۴}	b ^{۱۰/۸}	b ^{۶/۸}		T2
c ^{۳۶/۸}	b ^{۱۸}	b ^{۱۰/۸}	ab ^۸		T3
h ^{۱۹/۴}	f ^{۸/۴}	de ^{۶/۶}	d ^{۴/۴}		T4
f ^{۲۵/۲}	e ^{۱۰/۸}	d ^{۸/۴}	bc ^۴		T5
b ^{۴۸/۴}	a ^{۲۸/۸}	ab ^{۱۲}	ab ^{۷/۲}		T6
d ^{۳۱/۶}	bc ^{۱۵/۶}	c ^{۹/۶}	b ^{۶/۴}		T7
f ^{۲۷/۴}	e ^{۱۵/۶}	bc ^{۱۰/۲}	b ^{۶/۴}		T8
h ^{۲۱/۴}	ef ^{۱۰/۸}	d ^{۷/۸}	c ^{۵/۲}		T9
de ^{۳۰}	cd ^{۸/۴}	b ^{۱۰/۸}	b ^{۷/۱}		T10

* میانگین‌هایی که در هر ستون با حروف متفاوت نشان داده شده‌اند، به‌طور معنی‌دار با یکدیگر تفاوت دارند. ($p < 0.05$)

بحث

سیکل لگاریتمی بالاتر است (۱۵). از لحاظ مجموع پروبیوتیک‌ها، بیش‌ترین قابلیت زیستی مربوط به تیمار T9 می‌باشد ($p < 0.05$). این یافته‌ها نشان می‌دهد که وجود مواد پری‌بیوتیکی در شیر سویا موجب تقویت رشد پروبیوتیک‌ها می‌شود. کمترین قابلیت زیستی مجموع پروبیوتیک‌ها در تیمار T6 مشاهده می‌شود ($p < 0.05$)، که نشان از کمبود مواد کمکی رشد در دسترس برای باکتری‌های ABY-2 و هم‌چنین نیاز بالاتر به مواد مغذی شیر لبنی و توانایی کمتر آن‌ها در استفاده از این مواد می‌باشد، از این‌رو با افزایش مواد کمکی رشد شیر سویا میزان بقا افزایش می‌یابد. بالا بودن بقا

Chou و همکاران نیز در سال ۲۰۰۰ دریافتند که اضافه کردن مکمل‌هایی مانند ایزومالتوالیگوساکاریدها، گلوکز و گالاکتوز، و الیگوساکاریدهای سویا سبب افزایش تعداد بیفیدوباکتریوم‌ها می‌شود (۱۳). در پژوهشی Wang و همکاران در سال ۲۰۰۳ گزارش کردند که شیر سویا قادر است همزمان شرایط را برای رشد بیفیدوباکتریوم‌ها و هم‌چنین استرپتوکوکوس ترموفیلوس و لاکتوباسیلوس اسیدوفیلوس فراهم کند (۱۴). هم‌چنین Shah در سال ۲۰۰۵ گزارش کرد که شمار پروبیوتیک‌ها در مقایسه با زمانی که همراه با آغازگرهای ماست کشت شده باشند به‌اندازه دو

از زیبابی حسی: تیمار T1 دارای بیش‌ترین میزان پذیرش کلی می‌باشد و بعد از آن تیمار T6 قرار دارد که اختلاف معنی‌داری با سایر تیمارها دارند ($p < 0.05$). تیمار T4 کمترین پذیرش را در بین تمامی تیمارها دارا است ($p < 0.05$). بین تیمارهای T2, T7 در ظاهر، طعم و پذیرش کلی اختلاف معنی‌دار وجود ندارد ($p > 0.05$) اما از نظر بافت اختلاف معنی‌دار می‌باشد ($p < 0.05$) و آغازگر ABY-1 بافت بهتری را ایجاد می‌کند. بین تیمار T3, T8 در ظاهر، مزه و بافت اختلاف معنی‌داری وجود نداشت، اما میزان پذیرش کلی در تیمار T3 بالاتر است. بین تیمارهای T4, T9 در بافت اختلاف معنی‌دار مشاهده نشد، اما T9 به دلیل کاهش میزان آب‌اندازی، بافت بهتری ایجاد کرد و نشان می‌دهد که ABY-2 در نسبت‌های بالای شیرسویا قادر است در اثر افزوده شدن ماده خشک در سوپسترا بافت و ظاهر بهتری با آب‌اندازی کمتر را ایجاد کند. در طعم محصول اختلاف معنی‌داری وجود داشت که نشان دهنده این نکته است که در نسبت‌های بالای شیرسویا باکتری‌های آغازگر ABY-1 به‌علت توانایی بالاتر (به‌علت فعال‌تر بودن باکتری‌های ماست این آغازگر) اسید بیشتری تولید کرده که باعث کاهش طعم گسی (در اثر اختلاط شیر سویا و شیر لبنی بوجود می‌آید) می‌شود (۲). بین تیمار T5, T10 در ظاهر اختلاف معنی‌دار مشاهده نشد، ولی به‌دلیل کاهش آب‌اندازی در تیمارهای با آغازگر ABY-2 در تیمار T10 بافت بهتری ایجاد شد ($p < 0.05$). استفاده از شیر سویا و شیر لبنی به‌طور معنی‌دار باعث افزایش پذیرش کلی محصول شدند ($p < 0.05$). هم‌استارتر و نسبت‌های شیر سویا به‌شیر لبنی روی ویژگی‌های بیوشیمیایی طی دوره تخمیر و ویژگی‌های حسی و قابلیت زیستی در پایان تخمیر و دوره نگهداری کاملاً موثر بوده و اثر نسبت‌های شیر سویا به‌شیر لبنی بر روی این ویژگی‌ها بیشتر است (۲۰، ۱۹).

با توجه به پژوهش انجام شده هر دو متغیر نوع کشت پروبیوتیک و نسبت شیر سویا به شیر گاو بر روی ویژگی‌های بیوشیمیایی اثر معنی‌دار داشته ولی با توجه اندازه‌گیری شاخص‌ها میزان تأثیرگذاری نسبت‌ها از نوع استارتر بیشتر است.

سپاسگزاری

این مقاله از پایان‌نامه دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی استخراج شده است. بدینوسیله از کمیته‌ی تحقیقات دانشجویی به دلیل حمایت‌های مالی تشکر می‌شود.

و شمار پروبیوتیک‌ها در تیمار T1 نشان از سازگاری بهتر باکتری ABY-1 با محیط شیر لبنی می‌باشد. به‌طور کلی به دلیل فعالیت بالای باکتری‌ها و هم‌چنین مغذی بودن محیط در تمامی تیمارها، شمار باکتری‌ها در محدوده نرمال بوده و در تیمارهایی که بطور کامل از شیر لبنی تولید شده‌اند میزان بقای *L. اسیدوفیلوس* LA-5 بیشتر است که نشان می‌دهد این باکتری نسبت به شرایط اسیدی محیط حتی در اسیدیته‌های بالا هم مقاومت بیشتری نسبت به *B. لاکتیس* Bb-12 دارد. با افزایش میزان شیر سویا در سوپسترا ضریب رشد و بقا بیفیدوباکتریوم‌ها افزایش می‌یابد که از یک سو نشان می‌دهد نیاز و توانایی بیفیدوباکتریوم به‌مواد کمکی رشد از جمله قندهای α -گالاکتوزیدازی (رافینوز، استاکیوز) و استفاده از آن در سوپسترا بیشتر می‌باشد، از سوی دیگر یکی از محصولات جانبی تخمیر بیفیدوباکتریوم‌ها اسید استیک می‌باشد که میزان آن در محیط افزایش می‌یابد که اثر معکوسی بر قابلیت زیستی لاکتوباسیلوس‌ها دارد. این یافته‌ها با نتایج تحقیق Shah در سال ۱۹۹۷ مطابقت داشتند (۱۶). هم‌چنین Dave and Shah در سال ۱۹۹۷ دریافتند قابلیت زیستی پروبیوتیک‌ها به‌در دسترس بودن مواد مغذی، فاکتورهای رشد، بازدارنده‌ها، غلظت مواد محلول (فشار اسمزی)، حجم تلقیح، دمای گرم‌خانه‌گذاری، زمان تخمیر و دمای نگهداری نیز بستگی دارد (۱۷). بررسی اثر نسبت‌ها در قابلیت زیستی پروبیوتیک‌ها نشان می‌دهد، بین تیمارهای T1, T2 در تعداد *L. اسیدوفیلوس* LA-5 و *B. لاکتیس* Bb-12 و مجموع پروبیوتیک‌ها اختلاف معنی‌دار وجود داشت ($p < 0.05$)، از آن‌جا که در اثر مغذی بودن محیط در تیمار T2 به‌دلیل حضور مواد کمکی رشد شیر سویا و هم‌چنین وجود کربوهیدرات قابل تخمیر (به‌ویژه لاکتوز) به‌میزان کافی در شیر لبنی باکتری‌های ماست با سرعت بالایی رشد می‌کنند. از این رو به‌دلیل کوتاه‌تر بودن زمان تخمیر T2 زمان کافی برای رشد پروبیوتیک‌ها وجود ندارد، به طوری که در شرایطی که باکتری‌های پروبیوتیک به‌تازگی وارد فاز لگاریتمی شده‌اند، باکتری‌های ماست به‌سرعت تولید اسید کرده و pH محیط را کاهش می‌دهند. با توجه به‌ضریب رشد GPI میزان بقای *L. اسیدوفیلوس* LA-5 (به‌علت مقاومت بیشتر به‌اسیدهای آلی و شرایط نامساعد محیطی) بیشتر بوده که با مطالعه Mortazavian و همکاران در سال ۲۰۰۶ هماهنگ است (۱۸).

References

1. Wang HA, Murphy P. Mass balance study of isoflavones during soybean processing. *J Agri Food Chem* 1996; 44: 2377-83.
2. Mortazavian AM, Sohrabvandi S. Probiotics and food probiotic products; based on dairy Probiotic products; Eta Publication: Tehran, Iran 2006; p.54-155. [In Persian].
3. Champagne CP, Gurdner H. Effect of storage in fruit drink on subsequent survival of probiotic lactobacilli to gastro-intestinal stresses. *Food Res Int* 2008; 41: 539-543.
4. Coward LB. Genistein, daidzein, and their diets. *J Agri Food Chem* 1993; 41: 1961-1967.
5. Donkor ON, Henrikson A, Shah NP. α -galactosidase and proteolytic activities of selected probiotic and dairy cultured in fermented soymilk. *Food Chem* 2007; 104: 10-20.
6. Lee SY, Morr CV, Seo A. Comparison of milk-based and soymilk-based yogurt. *J Food Sci* 1990; 55: 532-36.
7. Shah NP. Probiotic bacteria: Selective enumeration and survival in dairy foods. *J of Dairy Sci* 2000; 83: 849-907.
8. Mortazavian AM, Ehsani MR, Mousavi SM, Sohrabvandi S, Reinheimer J. Effect of refrigerated storage temperature on the viability of probiotic microorganism in yogurt. *Int J Dairy Technol* 2007; 17: 123-127.
9. Mortazavian AM, Khosrokhavar R, Rastgar H. Effect of dry matter standardization order on biochemical and microbiological characteristics of Doogh (Iranian fermented milk drink). *Ital J Food Sci* 2010; 22: 99-103.
10. Institute of Standards and Industrial Research of Iran, Milk and milk products; Types of flavoured yoghurt. ISIRI no 4046. First revision, Karaj: ISIRI; 1997. [In Persian].
11. Farnworth E, mainville I, Desjardinsa P, Champagne B. Growth of probiotic bacteria and bifidobacteria in soy yoghurt formulation. *Int J Food Microbiol* 2007; 53: 174-181.
12. Liu JR, Lin CW. Production of kefir from soymilk with or without added glucose, lactose, or sucrose. *J Food Sci* 2000; 65: 716-719.
13. Chou CC, Hou JW. Growth of bifidobacteria in soymilk and their survival in the fermented soymilk drink during storage. *Food Chem* 2000; 56: 113-121.
14. Wang YC, Yu RC, Chou CC. Sugar and acid contents in soymilk fermented with lactic acid bacteria alone or simultaneously with bifidobacteria. *Food Microbiol* 2003; 20: 333-338.
15. Shah NP. B-glucosidase and hydrolysis of isoflavone phytoestrogens by *Lactobacillus acidophilus*, *Bifidobacterium lactis* and *Lactobacillus casei* in soymilk. *Int J Food Sci* 2005; 44: 66-75.
16. Shah NP. Bifidobacteria: characteristics and potential for application in fermented milk products. *Milchwissenschaft* 1997; 52: 16-21.
17. Dave RI, Shah NP. Viability of yogurt and probiotic bacteria in yogurts made from commercial starter cultures. *Int Dairy J* 1997; 7: 31-4.
18. Mortazavian AM, Sohrabvandi S, Mousavi SM, Reinheimer JA. Combined effects of temperature-related variables on the variables on the viability of probiotics in yogurt. *Aust J Dairy Technol* 2006; 61: 248-52.
19. Olubamiva AO, Kolapo AL. Production of yoghurt from cow and soy composite milk using starter cultuer from diffrent sources. *J applied Biosci* 2008; 6: 158-63.
20. Ostlie HM, Helland MH, Narvhus JA. Growth and metabolism of selected strains of probiotic bacteria in milk. *Int J Food Microbiol* 2003; 87: 17- 27.

Study of microbiological, biochemical and organoleptic properties in the probiotic soy yoghurt

Mohammadi R¹, Rouzitalab A², Shahabbaspour Z³, Mortazavian AM^{*4}

1- Students' Research Committee, National Nutrition and Food Technology Research Institute, Faculty of Nutrition Sciences and Food Technology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2- MSc in Food Science and Technology, Faculty of Agriculture and Natural Resources, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

3- Instructor of Food Science and Technology, Rudaki Institute, Tonekabon, Iran.

4- *Corresponding author: Associate prof, Dept. of Food Science and Technology, National Nutrition and Food Technology Research Institute, Faculty of Nutrition and Food Technology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Email: mortazyn@sbmu.ac.ir

Abstract

Background and Objectives: Worldwide, the demand for consumption of functional foods is growing rapidly due to the increased awareness of the consumers from the impact of food on health. Production of soy based probiotic yoghurt will improve the functional potential. The aim of this study was to assess the effect of cow's milk to soymilk proportion and type of probiotic strains on qualitative aspects of soy based probiotic yoghurt.

Materials and Methods: proportions of cow's milk to soymilk (100:0, 75:25, 50:50, 25:75, 0:100) were prepared using reconstituted skim milk powder, and two type of mix starter culture (ABY-1 and ABY-2 that contains *Lactobacillus acidophilus* LA-5 and *bifidobacterium Lactis Bb-12* and traditional yoghurt starter culture) were inoculated. pH, titratable acidity and redox potential parameters, amounts of lactic acid and acetic acid and viability of probiotics and sensory attributes of samples were analysed.

Results: probiotic bacteria in starter culture ABY-1 in proportion of (50:50) had the highest viability ($p < 0.05$). The greatest sensory properties were related to the treatments which had the highest proportion of cow's milk and then it was treatment of cultured with starter culture ABY-1 and proportion of 50% of cow's milk to 50% of soymilk (50:50-ABY-1) which was set in third grade in total acceptance manner ($p < 0.05$).

Conclusion: The equal proportion of cow's milk to soymilk represented the highest biochemical changes, and with adding amount of soymilk, viability of probiotics increased probably due to the presence of prebiotics ingredients of soy and proteolytic activity decline of yoghurt starter cultures.

Keywords: *Bifidobacterium lactis*, *Lactobacillus acidophilus*, Probiotic